

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشقري
فرستنده: محمود شاداب
۰۲ اپریل ۲۰۱۹

[سرشک دیده]

سحرگاہی چون گل ترا دیده بودم
که در مرغزاری خرامیده بودم
برهمن از آن، ارجمندم بخواند
که در پای بت جبهه سائیده بودم
در روزی به دور چمن با تو گشتم
سخن ها شنیدم که نشنیده بودم
از آن بیشتر کز منجم بیرسم
ز بدبختی خویش فهمیده بودم
به هرسو چوسایه پی ات می دویدم
که ناز و ادای تو فاریده بودم
سر خاک فرهاد بر باد رفته
بُتی همچو شیرین تراشیده بودم
به من همچو آب حیات عشقري شد
سرشکی که از دیده باریده بودم